

## چگونگی استفاده از ابزارهای بیان خیال در شعر بچه های گروه سنی (ج و د) کمیتة امداد امام خمینی(ره) منطقه شماره دو با تکیه بر برخی کتابهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

### معصومه سهیل بیگی

کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان چرداول

#### چکیده

این مقاله پس از مقدمه‌ای در رابطه با تاثیر تخیل و استفاده از ابزارهای آن در شعر کودک به چند سؤال کلیدی در زمینه استفاده از ابزارهای بیان خیال (تشبیه، استعاره و...) در شعر اعضای گروه سنی (ج و د) پاسخ می‌دهد. این سئوالات عبارتند از

- ۱- آیا همه ی ابزارهای بیان خیال در شعر این دو گروه سنی(ج و د) قابل استفاده هستند ؟
- ۲- اگر می توانیم از همه ی ابزارها استفاده کنیم ؟ نمود آن در کتابهای شعر کانون پرورش فکری چگونه است ؟
- ۳- اگر نمی توانیم از همه ی ابزارهای خیال استفاده کنیم ؟ نمود آن در کتابهای شعر کانون پرورش فکری چگونه است ؟
- ۴- در انتها به این سؤال اساسی در چند بخش پاسخ می‌دهد که در استفاده از ابزارهای بیان خیال جهت درک لازم باید به فاکتورهایی توجه کرد ؟ که به طور خلاصه عبارتند از ۱- توانایی شاعر ۲- توجه به مخاطب ۳- کودک درون و تاثیر آن در بیان محتوا ۴- زمان لازم .

**کلمات کلیدی:** ادبیات - ابزار خیال - شعر - گروه سنی

## مقدمه

دنیای خیال شاعرانه دنیای ناشناخته ای است و همه چیز در آن تازگی دارد در این دنیا برخلاف دنیای واقعی بسیاری از چیزهای آن کاملاً غیر قابل لمس و حسی هستند. گزارش دادن از سیر و سفر در دنیای خیال و بازگو کردن دریافت های شاعر از آن سرزمین ناشناخته، نیاز به زبان و بیانی متفاوت دارد اما او نمی تواند زبانی جدید بسازد شاعر ناگزیر است از همین زبان آشنا و واژه های معمولی استفاده کند بنابراین این کلمه ها و جمله ها را در معانی جدید به کار می برد تا خوانندگان شعر را با تجربه های خود از دنیای خیال همراه کنند. شاعر می تواند یک پدیده طبیعی در دنیای خیال خود را صورتهای مختلفی بدهد و برای بیان آن صورتهای نوع نگاه شاعر در آن بی تاثیر نیست با استفاده از نحوه کاربرد کلمات و جملات در معنای جدید برای بیان خیال شاعرانه خود سود ببرد. مخاطب شناسی یکی از مسائل مهم ترین مسائل شاعران کودک و نوجوان است. از آنجایی که خیال محوریت عنصر شعری و تشبیه قدرتمندترین و شایعترین ابزار خیالپردازی در شعر کودک و نوجوان است لذا به بررسی ابزارهای بیان خیال در شعر کودکان با انتخاب تصادفی کتابهای کانون پرورش فکری می پردازیم. عمده ترین ابزارها و صورت های بیان خیال عبارتند از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و غیره که در مباحث جدید به مقایسه و پرداخت آنها می پردازیم

ابتدا به بررسی اینکه آیا ما می توانیم از همه ی ابزارهای خیال در شعر این دو گروه سنی استفاده کنیم؟ خیال، دنیایی است ذهنی و فراواقعی. دنیایی که در آن هر چیز ناممکنی ممکن میشود. همه چیز معنادار و جاندار میگردد و به راحتی با ما به گفتگو می پردازد. خیال، حد و مرزی ندارد و راه و چاه نمیشناسد. عامل تمام پیشرفتهای بشر از ابتدا تا امروز بوده و هیچگاه از بین نخواهد رفت. در خیال توجه شاعر به واقعیت های جهان هستی است او با بهره گیری از خیال و ابزارهای آن کلام را از منطق عادی خودش جدا می کند و به سمت شاعرانگی می کشاند. در واقع تخیل جوهره شعر کودک و نوجوان را می سازد هر چند باید توجه داشت در به کار گیری تخیل هر نوع تخیلی و تصویرسازی به خلق شعر منجر نمی شود همان طور که گفته شد عمده ترین ابزارها و صورت های بیان خیال عبارتند از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و غیره که در اینجا به بررسی نمود تعدادی از این ابزارها در کتب کانون پرورش فکری با محوریت گروه سنی (ج و د) می پردازیم و به بررسی نمود آنها در این دو گروه سنی می پردازیم.

کانون پرورش فکری کودک و نوجوان بر اساس مؤلفه های گوناگون کتابهای مخصوص کودکان را به گروههای زیر تقسیم میکند:

- گروه الف، (سالهای قبل از دبستان)

- گروه الف و ب

- گروه ب، (سالهای اول و دوم و سوم دبستان)

- گروه ب و ج

- گروه ج، (سالهای پایانی دبستان)

- گروه ج و د

- گروه د، (سالهای راهنمایی)

- گروه د و ه

ادبیات کودک و نوجوان سن و سالی ندارد. شاید بتوان گفت که این شاخه ی ادبی از اوایل دهه ی بیست در ایران آغاز شد. البته این سخن به معنای آن نیست که پیش از این کودکان و نوجوانان ایرانی از ادبیات پر بار ما بی بهره بوده اند. بلکه این شاخه پیش از این شکل منسجم " ویژه و مشخصی نداشته است. خوش بختانه در دوسه دهه ی اخیر شاعران مطرحی ظهور کرده اند که منحصراً به ادبیات کودک و نوجوان می پردازند. خیال پردازی در کودک و نوجوان گویی قوی تر از بزرگسالان است. اما چون دایره ی لغات ذهنی آنان در مقایسه با بزرگ ترها محدودتر است " نمی توانند به طور دقیق و عمیق آن را در قالب کلمات به تصویر بکشند. اصولاً منشا و سرچشمه ی هر هنری به خصوص شعر عنصر خیال است و همین عامل

شعر را از غیرشعر (نظم و نثر) متمایز می‌کند. توانایی هر شاعری در گرو به کارگیری تخیل نیرومند " جاندار و پویا ست. فقدان هریک از آن‌ها موجب تنزل جوهره‌ی شعر می‌شود. درسروده‌هایی که هیچ نشانه‌ای از نوآوری و ابتکار در صورخیال آن‌ها نباشد - به ویژه زمانی که خیال‌های تکراری بی‌حضور عنصرعاطفه خودنمایی کنند- کوچک‌ترین تأثیری در مخاطب نخواهد داشت. دکتر شفیع کدکنی می‌نویسد: " بی‌گمان کمال ارزش تخیل در بار عاطفی آن است. تخیلی که مجرد باشد تا از بار عاطفی برخوردار نشود ابدیت نمی‌یابد. " ( ادوار شعر فارسی / ص ۹۰).

درخاتمه می‌توان افزود: عنصر خیال در شعر کودکان و نوجوانان موجب تقویت ذهن و اندیشه و باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن‌ها می‌گردد. همچنین باعث تلطیف روح و روان آن‌ها می‌شود. در واقع ذهن آن‌ها را از ورطه‌ی عادت زدگی می‌رهاند و نگاهی برتر و هنری می‌بخشد و شناخت عمیق و کافی به آن‌ها می‌دهد تا همه چیز را بهتر ببینند. تقویت تخیل در این گروه سنی موجب برقراری ارتباط ژرف آن‌ها با جهان پیرامون شان می‌شود و به مخاطبان کمک می‌کند تا جهان را طور دیگری ببینند و در نتیجه در عالم ذهن به آمال و آرزوهای دور و دراز خود دست یابند. علاوه بر این درک و دریافت متفاوت و تازه‌ای از دنیای محیط خود داشته باشند. عنصر خیال این امکان را به وجود می‌آورد که بین مظاهر طبیعت پیوند بزنند و تناسبات " تشابهات و تضادهای میان آن‌ها را بهتر دریابند. و تلاش ذهنی آن‌ها را به سمتی سوق می‌دهد که موجب کشف روابط پنهان بین پدیده‌ها می‌گردد. سپس زمینه‌ای برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند که بتوانند میان تصاویر ذهنی و عینی ارتباط برقرار کنند.

پس می‌توان استفاده کرد که البته با توجه به فاکتورهای فهم فردی کودکان، نحوه سرایش و تبحر شاعران و توجه به موقعیتی که کودکان در آن قرار دارند، توجه به پویایی و روانی بدور از تعبیرات اشتباه و سخیف.

قبل‌تر گفتیم از ابزارهای بیان خیال تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه ... هستند سوال اینست:

آیا ما می‌توانیم از همه‌ی این عناصر در شعرهای گروه سنی ج و د استفاده کنیم؟ نمود آن در کتابهای کانون پرورش فکری چگونه است؟

ابتدا تک‌تک این عناصر با مثال بررسی خواهد شد تا در نهایت نتیجه‌گیری کلی از این مبحث ارائه گردد.

### تشبیه یا همانند پنداری (similarity)

قدردمندترین ابزار بیان خیال تشبیه است. تشبیه را می‌توان اولین مرحله از دخل و تصرف خیال در نظر گرفت. این مبحث بسیار قدیمی و در عین حال جذاب است.

تشبیه، به کلامی گفته می‌شود که در آن یک چیز به چیز دیگر مانند شود. تشبیه چهار رکن دارد «مشبه»، «مشبه به»، «وجه شبه»، «ادات شبه». مشبه و مشبه به به هیچ وجه از جمله تشبیه‌ی حذف نمی‌شوند اما ادات شبه و وجه شبه را می‌توان حذف کرد تشبیه را عموماً با ادات چون، مانند، شبیه، همانند و ... آورده می‌شود. البته در شیوه‌ی اضافی، یعنی اضافه‌ی تشبیه‌ی این ادات حذف می‌گردند. اصلی‌ترین ابزار تصویر ساز در شعر کودک و نوجوان است و تصویری که خلق می‌شود عموماً کودکان را به کاربرد حواس ظاهری چون دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و لمس کردن دنیایی که شاعر خلق کرده وادار می‌کند تشبیه را از جنبه‌های مختلف میتوان مورد بررسی قرار داد. از جمله: تشبیه از لحاظ حسی یا عقلی بودن طرفین. اینکه مشبه و مشبه به هر دو حسی باشند و با حواس ظاهری قابل درک باشند، یا هر دو عقلی باشند و دور از ذهن.

برای کودکان سنین پایینتر و کودکان ابتدایی، هرچه تشبیه حسی تر باشد، بهتر است. چون کودکان

در این مرحله از زندگی خود، به دنبال کشف و شناخت دنیای پیرامون خویش هستند و این برای آنها در حکم یک نیاز است تا بتوانند زندگی خود را ادامه دهند. پس با اشعار و درکل، با ادبیاتی حسی، بیشتر رابطه برقرار میکنند. یک شاعر یا نویسنده‌ی خوب باید بتواند متناسب با نیاز مخاطب بنویسد تا هرچه بیشتر تأثیرگذار باشد.

**تشبیه با دو سوی حسی، حسی:**

**انسان به قناری:**

من چه بودم بگو/ یک قناری لال/ خسته، بی‌حوصله/ نوک او زیر بال.

خدای شعر، محمد کاظم مزینانی، خدای جیرجیرکها

### زمین به حصیر خشک و هوا به دوره گرد:

زمین در زیر پاها/ حصیری خشک وزرد است/ هوا در باغ و صحرا دوره گرد است.

دست و برگها، اسدالله شعبانی، آواز توکا

### آسمان به آئینه:

مثل آئینه ای غبارآلود/ آسمان روی دشت بال کشید/ ناگهان باد ابرها را برد/ روی آئینه دستمال کشید.

خوابهای طلایی، قیصر امین پور، به قول پرستو

تشبیه با دوسویه ی عقلی - حسی

منظور از عقلی یعنی تشبیه ی که با حواس ظاهری قابل درک نباشد. این نوع تشبیه از نظر درجه ی به کاربردن تخیل، در سطح بالاتری از تشبیه حسی به حسی قرار دارد. این امر به خاطر وجود امری غیر دیداری و غیر حسی است که برای درک آن باید تا ممل بیشتری داشت، چون پیچیده تر است. بنابراین این نوع تشبیه بیشتر متناسب با گروههای سنی «د» به بالاست که بهتر میتوانند به مفهوم این اشعاری بپردازند.

### خیال به طاووس:

آهوی نگاهش/ در پیرهن دشت نظر کرد/ طاووس خیالش/ در قطره های از اشک سفر کرد.

دختر و صحرا، اسدالله شعبانی، پروانه و گل سر

### تشبیه به اعتبار فردیت و ترکیب:

تشبیه را از جنبه ی مفرد و مرکب بودن نیز میتوان مورد بررسی قرار داد.

### تشبیه مفرد به مفرد:

در این نوع تشبیه، یک چیز یا یک امر واحد، به چیز دیگری همانند میگردد. ابیات ذیل مفهوم این تعریف را روشنتر خواهد ساخت.

### نگاه به شعر پاکنویس:

دویدم و دویدم/ به شاعری رسیدم/ تو چشمش/ یه دونه اشک خیس بود/ نگاهش یه شعر پاکنویس بود.

دویدم و دویدم، محمد کاظم مزینانی، دویدم و دویدم

در شعر کودکان سنین پایینتر تشبیهات مفرد بهتر می تواند به فهم اشعار کمک کند زیرا کودکان شبهات یک چیز را به یک

چیز دیگر بهتر درک می کنند تا اینکه یک چیز با ویژگی هایی به چیز دیگر با ویژگی های دیگر

### تشبیه مرکب:

یکی دیگر از مباحث مهم در امر تشبیه، بحث مفرد و مرکب بودن آن است. یعنی تشبیه یک چیز به یک مجموعه و یا تشبیه یک مجموعه به مجموعه ای دیگر.

دل کز کرده مثل یاکریمی/ که روی برفها تنها نشسته/ میان چشمان و عکس حیاطی/ پراز برف و یخ و سرما نشسته.

شیشه ی آواز، افسانه شعبان نژاد، شیشه ی آواز

در این شعر دل تنها و منقبض نشسته در سینه شاعر، مثل یاکریمی است که تنها روی برف نشسته است. در این نوع تشبیه

یک تصویر با همه ی چیزهایش به یک تصویر دیگر تشبیه شده است. درک این نوع تشبیه، برای نوجوانان و بزرگسالان راحتتر و لذت بخش تر خواهد بود.

عصر در کنار حوض خواهرم/ خیره در میان آب بود/ توی آب حوض عکس ماه/ مثل خنده ای میان قاب بود.

ماه و خواهرم، جعفر ابراهیمی، بوی نان تازه

### تشبیه مضمرب یا پنهان

تشبیه در اشعار کودکان و نوجوانان نقش فعال و ارزنده ای ایفا می کند. تشبیه ذهن کودک را درگیر خیال می سازد. اما در تشبیه مضمیر یا پنهان درک دو رابطه ی دوطرف تشبیه (مشبه و مشبه به) بسیار دشوار است این نوع تشبیه حاصل ناخودآگاه شاعر است و با ایجاد ابهام هنری سبب غنای ادبیت در سخن می شود در تشبیه پنهان ظاهرا با ساختار تشبیه مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است

مادرم خواباند نرم / خواهرم را روی تخت / یا که نه در خواب رفت / یک پرده بر درخت  
تنها انار خندید / محمد کاظم مزینانی

### تشبیه تفضیل

در این نوع تشبیه، مشبه از مشبه به قویتر نمایانده میشود. مثلا وقتی می‌خواهیم بگوییم: صورت او مثل ماه است. در این تشبیه، چون نور ماه درخشان تر است و قویتر است، پس مشبه به قویتر از مشبه است. اما در تشبیه تفضیل، ما اینگونه می‌گوییم: صورت او از ستاره درخشانتر است.

چون گل ولی نه / بالاتراز گل / لبخنداو هست / زیباتراز گل.

م مثل مادر، مصطفی رحماندوست، باغ مهربانها

این نوع تشبیه بسیار زیباست و جذابیت تشبیه را چند برابر میکند. زیرا به نوعی هنجار تشبیه را در هم میشکند.

### مجاز (trope)

یکی دیگر از مباحث مطرح در علم بیان و عناصر خیال، بحث مجاز است. مجاز نقطه ی مقابل حقیقت است.

در اصطلاح یعنی آوردن کلمه ای در غیر معنای حقیقی آن. اما برای جایگزینی کلمه ها، باید دلیلی باشد که از نظر عقلانی این امر را توجیح کند. به این دلایل علاقه گفته می شود. یعنی آنچه که نشان دهنده ی تعلق این دو مفهوم به یکدیگر است. مجاز علائق مختلفی دارد. مثلا مجاز به علاقه ی جزء و کل (synecdoche) مجاز به علاقه ی لازم و ملزوم (metonymy) علت و معلول، ظرف و مظهر، مجاورت و عموم و خصوص.

مجاز با علاقه ی لازم و ملزوم: لازمه ی آفتاب، خورشید است

بایک مداد زرد / یک دایره بکش / دورش شعاع ها / این آفتاب شد.

چهره ی جهان، محمود کیانوش، باغ ستاره

جاده به جای سفر. جاده لازمه ی سفر است.

گاه گاه میافتم / باز راه میافتم / از سفر نمی مانیم / جاده سرگذشت ماست.

### مجاز با علاقه ی مجاورت:

یعنی آوردن کلمه ای که چون با چیز دیگر مجاورت دارد، آن واژه را در ذهن تداعی میکند.

آسمان به جای ابر آمده در حالیکه مجاور ابر است.

توی شهر خیال من ماهی / چتر ز بیا و کوچکی دارد / چتر خود را که می گشاید او / آسمان تندوتند می بارد.

شهر وارونه، افسانه شعبان نژاد، برگزیده شعر

### عینک به جای چشم:

دنیا نه زیبا / نه زشت زشت است / نه چون جهنم / نه چون بهشت است / نه چون گلستان / نه چون بیابان / از عینک ماست / خوب و بد آن.

از پشت عینک ما، مصطفی رحماندوست، پشت این پنجره ها

### مجاز با علاقه ی جزء و کل:

جزئی از چیزی را بیان میکنیم و از آن کل آن چیز را اراده میکنیم. یا برعکس.

کل و جزء: به جای کشتزار، سبزه

دوباره دردل بشقاب کشتزار میروید/ بهار بر لب پاشویه پرده میشود...

کشتزار در بشقاب، افسانه شعبان نژاد، شیشه ی آواز

### جزء و کل: رینا به جای دعا

می شد ستاره چید/ از رینای او/ گل بر لب شکفت/ وقت دعای او.

لحظه های سبز، فضل الله طباطبایی، پله پله تا خدا

### مجاز علت و معلول:

علت هر پدیده به جای معلول ذکر می شود یا برعکس.

### ابر به جای باران:

پاییز که از راه رسید/ رفت توی باغ و گل چید/ پرستوها تا دیدنش پریدند/ ابرا یواش روی زمین چکیدند/ پاییز دوید و رفت

کنار گله/ آهسته گفت لالایی لایی لالا/ گله همه خوابیدند/ خواب بهار و دیدند.

پاییز، افسانه شعبان نژاد، با باد بادک

### کبوتر به جای پرواز:

قصه رفتن به آسمان کردی/ چشمه های پراز کبوتر شد/ تا گذشتی ز کوچه ها آن روز/ چشمها از نبودنت تر شد.

جاده های مهتابی، عباسعلی سپاهی یونسی، صبح و سیب

### مجاز به علاقه ی عموم و خصوص:

به جای اسمی خاص، صفت یا اسمی عام می آورند یا برعکس.

### عمه به جای زینب:

میان خیمه بوی گریه پیچید/ دوباره قلب پاک عمه لرزید/ کسی آیاصدای العطش را/ کنار رود نا آرام نشنید؟

عزای نخلها، مجید ملاحمدی، آیه های آفتاب

به کار گیری مجاز یعنی قرار دادن کلمه هایی در غیر جایگاه واقعی اش، ذهن مخاطب را بیشتر درگیر معنای اصلی کلمه

میکند و با دریافت معنای واقعی کلام، لذتی عمیق ذهن مخاطب را پر می کند

مجاز و کاربردهای آن برای گروههای سنین پایین هم قابل استفاده است و معنای آن درک شدنی است.

### استعاره

"استعاره یکی از مهمترین عناصر زیبایی آفرین در آثار هنری است که علاوه بر ادبیات، در کلیه ی آثار هنری مورد توجه است و شاید

به جرأت بتوان گفت که مفصلترین مباحث تئوریک در دست گاه نظریه ی بیان را به خود اختصاص داده است."

مبحث استعاره بحثی بسیار عمیق است که از ارسطو گرفته تا سائیر دانشمندان تا قرن حاضر را به خود مشغول ساخته است. استعاره

یعنی به عاریت گرفتن چیزی. و در کلامی یعنی به عاریت گرفتن مفهومی به جای مفهوم دیگر.

استعاره ها انواع مختلفی دارند. از جمله ی آنها میتوان به استعاره های اسمی، فعلی و وصفی اشاره کرد.

### استعاره ی اسمی:

استعاره های که در اسم اتفاق می افتد را استعاره ی اسمی گویند، یعنی واژه ای که برای نامیدن چیزی یا کسی استفاده میشود.

در استعاره ها همیشه قرینه ای وجود دارد که ما را از معنای ظاهری به معنای حقیقی کلمه می کشاند. به این کلمه، قرینه ی صارفه

گویند.

استعاره های اسمی خود به دو نوع قسیم میشوند: ۱. استعاره های متعادل، ۲. استعاره های برجسته.

### استعاره های اسمی متعادل:

در این نوع استعاره، مشابه به به راحتی درک میشود و ابهامی در معنا ایجاد نمیکند. این نوع استعاره ممکن است در ابتدا ابرجسته

بوده باشد، اما به دلیل کاربرد زیاد آن در زبان، حالت برجستگی خور را از دست داده و متعادل گشته است.

### اسب زرد، استعاره از پاییز:

اسب زرد آمده است / باز هم درد ما / می رود او با خشم / از میان گلها  
اسب زرد پاییز، ملیحه مهرپرور، خنده ی آینه

### چشم، استعاره از ستاره:

شب و آن هزارچشمی / که دوباره میدرخشد / نکند که خواب باشم / و خدا مرا نبخشد.  
نکند که خواب باشم، آتوسا صالحی، ترانه ای برای باران

### گل زرد، استعاره از خورشید:

صبح می آید و نیست دیگر / از درخت سیاهی نشانی / آسمان است و تنها گلی زرد / از گل زرد روشن جهانی.  
درخت شب، محمود کیانوش، بچه های جهان

### استعاره های اسمی برجسته:

این استعاره هابه دلایل مختلفی شگفت آورترند. اول اینکه کاملا تازه و بدیعند. دیگر اینکه بین دو طرف بیانی خود یعنی مستعار و مستعار منه، شباهتی برقرار میکنند که کاملا پیچیده و عجیب است و دیگر اینکه سرشار از تخیلند و کاملا هنری مورد استفاده قرار گرفته اند. در این نوع، وجه شبه کاملا پیچیده است و ذهن مخاطب را درگیر خود می سازد و همین عامل برجستگی آن میگردد.

### نگاه، استعاره از ضربه:

توجه بودی، هان؟ بگو / با توأم ای صندلی! / من چه بودم، یک درخت / یک درخت جنگلی / سربلند و سبز و شاد / بیخیال و بیخبر / ناگهان قلب مشکست / بانگاه یک تبر.  
صندلی ها خسته اند، محمد کاظم مزینانی، کلاغهای کاغذی

### چکه، استعاره از درخشش:

ای خدماتل پیچک بلند است / دستهایم به سویت دوباره / دستهایم را ای خدا باز / پرکن از چکه های ستاره.  
چکه های ستاره، سید سعید هاشمی، تکه ای از آسمان

### استعاره در فعل و صفت:

در این نوع استعاره ها، کنش یا فعل به استعاره درمی آید. در بیان سنتی به این نوع استعاره ها، "استعاره ی تبعیه" گفته میشود. این استعاره ها را نیز میتوان در دو مقوله مورد بررسی قرار داد

۱. استعاره ی متعادل در فعل و صفت

۲. استعاره ی برجسته در فعل و صفت.

در ادبیات کودک و نوجوان، بیشتر نمونه ی متعادل به چشم میخورد اما گاه گاهی به استعاره ی برجسته نیز برمیخوریم که در زیر برای هر دو نوع آن نمونه هایی خواهیم آورد.

### استعاره های متعادل در فعل صفت:

در این استعاره ها، مانند استعاره های متعادل اسمی، به دلیل تکرار، کاملا قابل درک و کلیشه ای گشته اند و درجه ی استفاده ی تخیل در آنها کاملا متعادل است. نمونه ی بسیار زیاد استفاده از این استعاره ها، در مورد کلمه ی "خندیدن" دیده میشود.

خندیدن برای خورشید و گل به معنای نور افشانی و شکفتن.

خاک آرام آرام / آب باران را خورد / باد آمد، هوهو / ابر را با خود برد / باز هم پیدا شد / خنده های خورشید / آسمان آبی شد / باز هم گل خندید.

هوای بهاری، مصطفی رحمان دوست، بابا آمدن آورد

### خنده ی شمع، استعاره از نور افشانی:

میرسد تا خورشید، خنده ی شمع / توی یک شعله ی سبز / میکنم خود را جمع.

رنگ شب، اسدالله شعبانی، چراغ شکوفه ها

**موج زدن صدا، استعاره از پخش شدن:**

باز هم صدای گلهای / موج زد میان دره ها / من دوباره غرق میشوم / در صدای سبزبره ها  
جای پای آب، افسانه شعبان نژاد، شیشه ی آواز

**استعاره های برجسته در فعل و صفت:**

در این نوع استعاره، ترکیب کلام کاملا تازه است و جذابیت خاصی دارد. در این نوع استعاره، تخیل فراوان بکار گرفته شده و برای درک آن کمی تأمل نیاز است که پس از کشف کردن معنای استعاری، لذت خاصی ذهن مخاطب را فرا می گیرد.

**دفع زدن استعاره از حرکت کردن:**

باز درختان شاد / با وزش باد به رقص آمدند / شاخه ها / با تپش و هلپله دف میزنند.

روی قلم دوش باد، شهرام رجب زاده، دو چرخه ها گراند

**نشاء کردن دفتر، استعاره از نوشتن روی آن:**

به تاخت می آیند / رمه اسبهای سرکش / از سمت د ریا / و تمام آسمان را / پای می کوبند / -شیشه ی رعذ در چشم- / من اما /  
زیرسقف سوراخ روستا / برگهای دفترشعرم را نشاء میکنم: / فردا / گاه دروا / سرشار از ترانه ی شالیاست / دفترم.  
حکایت، ضیاءالدین شفیع، برگونه های ماه

**باریدن نسیم و پروانه، استعاره از وزیدن و هویدا شدن:**

نسیم آمد به دورخانه بارید / و باران دانه دانه بارید / پس از آن روی گلهای شکفته / ز اوج آسمان پروانه بارید.

باران پروانه، بیوک ملکی، از هوای صبح

رویدن به جای نشستن.

گنجشکها چون میوه هایی کال / بر شاخه های بید رویدند / با جیک جیکی تند و پی در پی / برگ سکوت ظهر را چیدند.

گنجشکها، جعفر ابراهیمی، آواز پوپک

**استعاره ی کنایی یا مکنیه:**

استعاره ی مکنیه در علم معانی و بیان قدیم، به عنوان استعاره ی نوع دوم مورد بررسی قرار میگیرد. این به این دلیل است که استعاره ی مصرحه که بر استعاره بودن خود تصریح دارد، هنری تر است.

در استعاره ی مصرحه، مشابه حذف میشود و مشابه به در جمله تنها حاضر میشود البته باقرینه ای صارفه. اما در استعاره ی مکنیه، کاملاً عکس این قضیه صادق است. یعنی مشابه هست و مشابه به محذوف است. استعاره ی مکنیه رامیتوان به دو صورت مورد بررسی قرارداد.

اول در جمله های اسنادی و سپس در ترکیبات اضافی.

گروهی می پندارند که این مبحث را در قالب همان استعاره ی تبعی باید جستجو کرد؛ اما این حرف درست نیست. چون در استعاره ی تبعی، فعل یا صفت هستند که مستعار می گردند.

**استعاره ی مکنیه در ترکیب های اضافی:**

این دسته از استعاره های مکنیه همان "اضافه ی استعاری" است که در دستور زبان به آنها پرداخته شده است. این نوع استعاره، بسیار پر کاربرد است و در خیال و تصویرسازی بسیار قابل تأمل است.

**شانه ی غروب:**

هر چند که دورم از شما بسیار / میبینم آنچه خوب میخندید / می چینیمتان ستاره های هستید / بر شانه ی این غروب می خندید.

سفر، بیوک ملکی، از هوای صبح

**صدای تشنگی:**



بازمی پیچد صدای تشنگی/ درسکوت سرد صحرای صبور/ آسمان ای مهربان آبی رسان/ برگلوی تشنه ی گلپای نور.  
غنچه های تشنه، بابک نیک طلب، پیشواز روشنی

### بال صدا:

دریای شکوهمند ای دریا/ مارا به هوای تازه مهمان کن/ دنیای همیشه ساکت مارا/ با بال صدا پرنده باران کن.  
راز دریا، اسدالله شعبانی، آواز تو کا  
تابه اینجا از عناصر تخیل در ادبیات، تشبیه، مجاز و استعاره را گفتیم. مقوله ی دیگری که باید در این جایگاه به بیان آن پرداخت، بحث کنایه است.

### کنایه

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است. و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنای دور و نزدیک باشد؛ یعنی امری را طوری بیان میکنیم که هم ظاهراً معنایی خاص میدهد و هم معنایی باطنی دارد و مراد گوینده از آن، معنای باطنی است. در ادبیات بزرگسال، کنایه جایگاه والایی دارد و بسیار مورد توجه اهل ادب و هنر است. اما متأسفانه در شعر کودکان و نوجوان، به آن توجه ی نشده و غیر از چند مورد استفاده های پراکنده، دیگر نشانی از آن در این حوزه دیده نمیشود.

### خط و نشان کشیدن، کنایه

#### از تهدید کردن:

گر به سیاهه رفت عقب/ پرید رو پشت بومشون/ حسنی بر اش با چوب کشید/ رویه و اخط و نشون.  
جوجه ی ناز حسنی، شکوه قاسم نیا، حسنی کلاس چنده؟  
گل از گل شکفتن، کنایه از شاد شدن:  
پدر بزرگ/ چپق کشید و خنده کرد و قصه گفت/ و باغ قصه ناگهان/ گل از گلش شکفت.  
پدر بزرگ، آتوسا صالحی، ترانه ای برای باران  
بازار داغ بودن کنایه از پر رونق بودن کسب و کار:  
کار تو صبح تا شب/ گشتن میان باغ است/ در این بهار زیبا/ بازار تو چه داغ است.  
کتاب رنگی، محمد کاظم مزینانی، تنها انار خندید  
کاربرد کنایه هایی اینچنینی چون از زبان و فرهنگ مردم برآمده، به نظر زیبا و قابل فهم هستند و کاملاً معنای دوگانه ی آنها قابل درکند. اما همانطور که گفته شد، خیلی کم مورد اقبال شاعران کودک و نوجوان قرار گرفته است.  
حالا به بررسی این سوال می پردازیم:

آیا ما نمی توانیم از همه ی این عناصر در شعرهای گروه سنی ج و د استفاده کنیم؟ نمود آن در کتابهای کانون پرورش فکری چگونه است؟

ابتدا تک تک این عناصر با مثال بررسی خواهد شد تا در نهایت نتیجه گیری کلی از این مبحث ارائه گردد.

#### تشبیه با دو سوی حسی، حسی:

زمین با قلم موی درخت آسمان را رنگ کرد / باران سبز بارید (حسین تولایی / دمپایی خورشید / گروه سنی ج  
کاربرد تشبیه در ادبیات کودکان محدودیت هایی خاص خود را دارد. در این شعر محدود به تشبیهات تمام حسی است و وجه شبه روشن نیست در باران سبز بارید وجه شبه و ادات شبه حذف شده و تصویر را مختل و فهم کلام را مشکل کرده است. شاید نوجوانان این شعر را درک کنند اما کودکان ممکن است دچار سردرگمی می شوند و با خود بگویند « مگر باران سبز هم می بارد »

#### تشبیه بادوسویه ی حسی و عقلی:

در گروه های سنی (ج و د) به مرور زمان تشبیهات دوسویه حسی و عقلی در شعر، شاعران نمود می کند اما نه چندان. شاید در گروه های سنی بالاتر تشبیهات «عقلی به حسی» و «حسی به عقلی» قابل فهم و کاربرد باشند که در این صورت معادله تشبیهی یک سوی تشبیه دارد و و ذکر وجه شبه در آن الزامی است. هر چند وجه شبه در تشبیه حسی به عقلی بیشتر است و حتی در آن صورت نیز دریافت وجه شبه از یک مشبه به عقلی در حد توانایی ذهنی یک نوجوان نیست.

### تشبیه حسی به عقلی

مه گرفته کوهها را / یک مه مودی و انبوه / از دل مه رفته بیرون / مثل غولی، قله ی کوه  
سایه در مه، جعفر ابراهیمی، بوی کال یاس  
نمونه تشبیه عقلی به حسی خیال به سیب کال:  
علی برادرمن / همیشه درخیال است / خیال های خامی / که مثل سیب کال است.  
دوچرخه هاگرانند، شهرام رجب زاده، دوچرخه هاگرانند.  
درک هر کدام از این شعرها در گروه سنی ج و د جای بسی تامل دارد  
تشبیه مفرد به مفرد:

به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد تشبیه مفرد گویند. اشعاری که حاوی این نوع تشبیه باشند در مراحل نخست رویارویی با مقوله های به نام ادبیات و شعر میتواند تربیت ذهنی لازم را به وجود آورد. چون در این نوع تشبیه هر چیزی به چیز دیگری تشبیه شده از این تشبیه می توان برای تربیت ذهنی و ایجاد ارتباط با ذهن مخاطب تازه کار شعر کاربرد دارد اما ایا کودک گروه سنی ج و د تازه کارند آیا شاعران کانون این نوع تشبیه را را درست و در سر جای خود به کار برده اند.  
پدر مثل اناری ترش و نارس صدایش در سکوت خانه ترکید  
شعر انار ترش / حسین احمدی / صدای سبز

اگر به این شعر و نمونه های دیگر از دیگر شاعران توجه کنیم می بینیم شاعر به دقت نتوانسته از این تشبیه استفاده کند و تخیل کودک را نه تنها شکوفا نمی کند بلکه در ساده ترین تشبیه ممکن دچار اشتباه می کند  
پدر را به اناری که ترش و نارس است تشبیه کرده و در ادامه گفته صدایش در سکوت خانه ترکید. هر کودک ابتدایی می داند انار وقتی میرسد، می ترکد، شاعر اینجا اشتباها یک تعبیر نادرست را آورده است که باز سبب گمراهی مخاطب در هر گروه سنی می شود و نمونه های بسیار دیگر که بیشتر برای سرهم کردن شعر و ارائه آن به بازار آورده شده است  
تشبیه مرکب: در تشبیه مرکب یک تصویر متشکل از چند چیز به یک تصویر متشکل از چند چیز دیگر تشبیه شده مثلا به جای اینکه بگوییم «لبخند» مانند غنچه است می گوییم غنچه ی روی بوته مثل لبخند روی صورت است به این مثال توجه کنید

شب چو غنچه است / شب چو غنچه ای شکفته است

شکوه قاسم نیا / برف و بهار

این نوع شعر بیشتر مناسب گروه نوجوان (گروه سنی ه) است اما اگر با ظرافت و هنرمندی توأم باشد می تواند علاوه بر زیبایی آفرینی، خلاقیت هم به همراه دارد در این نوع شعر طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) به صورت تصویر است و معمولا وجه شبه ذکر نمی شود در این تشبه شب چو غنچه است. باعث سردرگمی مخاطب می شود. در واقع این تشبیه به خاطر پیچیدگی خاص در تصویر سازی برای گروه های سنی پایینتر مناسب نیست زیرا درک کلامی آنها کمتر است

### تشبیه مضمرب یا پنهان

این نوع تشبیه، تنها برای بزرگسالان آشنا به مفهوم علم "معانی و بیان" مشخص است و نباید از کودکان و نوجوانان توقع درک تشبیه مخفی در ادبیات را داشت. این تشبیه حاصل تخیل است ناخود آگاه و برای گروه نوجوانان کاربرد دارد

تپه‌ها از لاله آتش داشتند/ دردل ما روشنی میکاشتند/

آینه‌های کودکی، اسدالله شعبانی، آواز توکا

در شعر بالا، لاله به آتش تشبیه شده، اما همان کلمه‌ی "از" بین لاله و آتش ذهن را از درک معنای تشبیه‌ی آن دور کرده است. مجاز (trope)

" علمای علم بیان دو ویژگی را برای تشخیص مجاز در نظر گرفته‌اند که آن را از واژگان دیگر در محور هم نشینی کلام متمایز می‌کند. یکی وجود قرینه‌ی صارفه و دیگر علاقه یا پیوند بین معنی مجازی و حقیقی است " (از این باغ شرقی - ص ۹۵).

در مجاز باید بین صورت حقیقی و صورت مجازی کلمه، رابطه وجود داشته باشد تا معنی ثانویه قابل درک باشد. این رابطه را علاقه می‌گویند. به غیر از علاقه رکن دیگری برای مجاز در نظر گرفتن به نام قرینه که خواننده از روی قرینه بودن کلمه پی می‌برد مجاز است. یانه. در مجاز، اکثر علاقه‌ها کاربرد دارد اما مجازی ارزش ادبی دارد که علاقه‌ی آن شباهت است

### استعاره

در استعاره برخلاف تشبیه رابطه‌ی همانی وجود دارد یعنی شاعر با حذف ادات، مشبه و وجه شبه ادعا می‌کند که کلمه همان تشبیه است. مثلاً قطره شبنم مانند آیینینه صاف است او ادعا می‌کند قطره‌ی شبنم همان آیینینه است استعاره صورتهای مختلفی دارد. تقریباً همه‌ی صورتهای استعاره در شعر کودک و نوجوان به شدت و ضعف رایج هستند (ادبیات کودک و نوجوان / محمد دهریزی گودرزی ص ۸۱)

استعاره مصرحه: به دلیل حذف مشبه و ذکر مشبه به در شعر این دو گروه سنی کاربردی ندارد زیرا باید فراوان از مشبه محذوف نشانه‌هایی را آورد تا نوجوان سنین بالاتر بتوانند آن را درک کنند. ارزش هنری این نوع استعاره از تشبیه بیشتر است اما حیطة کاربردی آن در شعر کودک و نوجوان نسبت به تشبیه محدودتر است

خدا سبز / خدا سرخ / خدا آبی آبی / خدا رنگ گلابی

خدارنگ گلابی / احمد خدادوست

در این شعر عملکرد شاعر در استفاده از این نوع استعاره بسیار ضعیف و غیرقابل درک برای این دو گروه سنی است استعاره مکینه: در این نوع استعاره مشبه وجود دارد اما تنها جزئی از مشبه به وجود دارد. کاربرد این نوع استعاره در شعر این دو گروه سنی زیاد است اما گاهی با تشخیص توسط شاعران با تعبیرات اشتباه و مثال‌های بی ارزش، ارزش هنری خود را از دست می‌دهد و اطلاعات نیمه درستی را در اختیار کودک قرار می‌دهد

یک شب مهتابی از غصه لاغر و ضعیف شد / اتاق تاریک / حسین تولایی / ساندویج قطار

استعاره تبییعی: این نوع استعاره در فعل و صفت اتفاق می‌افتد درک آن ساده است و در ادبیات این دو گروه سنی بسامد بالایی دارد اما ایا شاعران در عرضه‌ی این نوع استعاره در شعر این دو گروه سنی موفق بوده‌اند؟

گرمای تهران خیلی زیاد است / شلاق گرما در دست باد است

گرمای تهران / اسدالله شعبانی / رنگین کمان کودکان

شلاق زدن گرما یعنی شدت گرما اما چرا در دست باد. هر جایی که باد باشد به علت جریان هوا، هوا خیلی هم شلاقی نیست. در ذهن کودک با یک رابطه عقلی شلاق باد در زمستان به دلیل دردناک بودن قابل لمس هست اما آیا در تابستان هم همین است؟

در ساختار کنایه صورت حقیقی و کنایی لازم و ملزوم هم هستند. در این نوع آرایه مخاطب را از یک سطح به سطح دیگر می‌کشاند اما در شعر کودک و نوجوان بسامد پایینی دارد و عموماً کنایه‌هایی که از زبان محاوره به شعر کودک و نوجوان وارد می‌شوند برای کودکان و نوجوانان پیچیده و درو از ذهن نیست اما سوال اینجاست آیا در شعر کودک و نوجوان سرودن شعر با زبان محاوره‌ی تهرانی و لهجه‌ی آن در ادبیات کودک و نوجوان کار درستی است. غلامرضا بکنش از شاعران معاصر کودک و

نوجوان اصرار فراوانی بر حذف محاوره از شعر کودک و نوجوان دارد. شاعران حیطة کودک باید بتوانند با صور خیال، در زبان معیار کنایه هارا در شعر بیاورند و خواندن شعر را جذاب تر و دلنشین تر کنند

-و در انتها به این سؤال اساسی در چند بخش پاسخ می‌دهد که در استفاده از ابزارهای بیان خیال جهت درک لازم باید به فاکتورهایی توجه کرد؟ که به طور خلاصه عبارتند از ۱- توانایی شاعر ۲- کودک درون و تاثیر آن در بیان محتوا ۳- توجه به مخاطب و احترام به شعور و فهم کودک ۴- زمان لازم.

"تخیل عبارت است از کوششی که ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیا دارد. به تعبیر دیگر تخیل نیرویی است که به شاعر امکان آن را می‌دهد که میان مفاهیم و اشیا ارتباط برقرار کند. پیل بزند و چیزی را که قبل از او دیگری دریافته دریابد." (ادوار شعر فارسی، ص ۸۹، کدکنی).

### ۱- توانایی شاعر

بدیهی است با دقت در شگردها شاعرانی که قصد آفرینش ادبی را برای کودکان و نوجوانان دارند، میتوانند مسیر درست را طی کنند. توجه آنها به عواملی مانند سادگی و صمیمیت زبان "روانی کلام" بار عاطفی و صور خیال دست به دست هم بدهد و به شکل قابل ملاحظه ای شعر را نافذ و موثر کرده است. رکن های همانند ساز، تشبیه باید برای مخاطبان کاملا شناخته شده "محسوس و ملموس باشند با این دلیل که شاعر تشبیهات موجود در شعر "برگرفته از محیط اطراف کودک و نوجوان باشد در معرض پدیده های موجود در شعر باشند و برای آن ها قابل تجربه و دست یابی اند.

### ۲- کودک درون شاعر و تاثیر آن در بیان محتوا

باید در استفاده از ابزارهای بیان خیال تبحر داشته باشد و با مهارت تمام مفهوم مورد نظر در قالب این آرایه ها انتقال دهد. او باید خود را از شعر بازار و عوام پسندانه کنار بکشد و بیشتر در دنیای کودکی قرار بگیرد و این دنیا را چندین بار درک کند که البته به کودک درون به راحتی با این دنیا ارتباط برقرار می‌کند تا بتواند محتوای مورد نظر را با درک درستی از زبان و ظرافت های کودکانه بیان کند و کودک را از خواندن شعر دلسرد نکند

### ۳- احترام به شعور و فهم کودک

قال امام علی (علیه السلام): *أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جَرَمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْاَكْبَرُ*. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: آیا می‌پنداری که تو جرم (موجود) کوچکی هستی، در حالی که درون تو دنیای بزرگی تنیده شده است. امروزه پس از گذشت هزاران سال، فرهنگ انسانی بدین جا رسیده که «کودک آدمی، آدمی‌تر از آدمی است. «(ژان ژاک روسو)

«جهان به تصور کودک» دیگرگونه و متفاوت با جهانی است که ما می‌شناسیم. کودک در عالمی سیر می‌کند که در آن حجاب‌های علمانی و نفسانی وجود ندارد. (مقاله مفهوم کودکی در عصر پوئتیک، قربانی، ۱۳۷۰: ۱۶)

استفاده از عبارات پیش پا افتاده و تشبیهات نامناسب و تعبیرات اشتباه کودک را دچار سرخوردگی و دوری از ادبیات می‌کند و لذت شعر را در جان کودک زنده نمی‌کند

### ۴- زمان لازم

میدانیم که لذت ادبی درگرو آن است که مخاطب در شعر و خیالانگیز بودن آن شیمسا:ص ۶۸) شریک باشد و بتواند به کشف و دریافت روابط میان اشیا دست پیدا کند. اگر شاعر زمانی را برای اندیشه خود و خیال ورزی خود در عرصه شعر در نظر گرفته باشد لذت ادبی مطالعه شعر فراوانتر میشود. او با گذاشتن زمان لازم به کودک این اجازه را می‌دهد که علاوه بر افزایش گنجینه لغات، از تشبیهات و استعاره ها و کنایه ها و مجاز ها به خوبی لذت ببرد و از همین سرایش ها به عنوان الگو در کارگاههای شعر نیز استفاده ببرد

**نتیجه گیری :**

در پایان باید یادآور شد که ابزارهای بیان خیال کلام را خیال انگیزتر می‌کنند و در شعر و ادبیات چه ادبیات کودک و نوجوان و چه ادبیات بزرگسال، بسیار حائز اهمیتند. اما برای کودکان کنایه ها، استعاره ها، تعدادی از تشبیهات، مجاز، کمی

دیربایند و شاید اصلا مفهوم آنها را نفهمند. این بدان معنا نیست که برای آنها نباید از این ابزارها استفاده کرد. نه. برای کودکان گروه‌های سنی پایینتر، هرچه کلام ساده تر باشد، بهتر است. برای کودکان زیر دبستان و گروه‌های سنی الف و ب باید زبان کاملا آسان و طبیعی به کار رود، اما برای گروه‌های سنی بالاتر مثل (ج و دو ...) باید از ابزارهای بیان خیال متعادل و قابل دریافت شروع کرد و آرام آرام ذهن را آماده ی درک سایر ابزارهای بیان خیال پیچیده تر ساخت. در این صورت این آرایه ها، همانطور که خود شاعر یا نویسنده خواستار آن است در ذهن مخاطب می نشیند و ارزش واقعی شعر را درک میکند شاعر باید در استفاده از این آرایه ها با توجه به نکات گفته شده رعایت اعتدال و جانب احتیاط را داشته باشد چونکه استفاده زیاد از این صنایع شعر را برای کودک ملال انگیز می کند و باعث خستگی کودک و سلب علاقه در کودک می شود. نکته پایانی اینکه شاعر با پوشاندن ابزارهای بیان خیال در حد اعتدال علاوه بر افزایش خلاقیت در کودکان، به پرورش درک و قوه بیان و تخیل و همچنین افزایش گنجینه واژگانی و افزایش قدرت نگارش و تکلم این دو گروه سنی می شود و با تاثیر بر آنها در خلق آثار ادبی این دو گروه سنی نیز تاثیر گذارند

### منابع و مآخذ:

- ۱- پورنامداریان. تقی. سفر در مه. تهران. نگاه. ویراست جدید. ۱۳۸۱
- ۲- سلاجقه. پروین. از این باغ شرقی. تهران. کانون پرورش فکری .... چاپ دوم. ۱۳۸۷
- ۳- شفیعی کدکنی. محمد رضا. ادوار شعر فارسی. تهران. سخن. چاپ اول. ۱۳۸۰
۴. شمیسا. سیروس. بیان. تهران. سخن. چاپ دوم ۱۳۹۴
- دفترهای شعری که مورد استفاده قرار گرفت:
- ۱- ابراهیمی. جعفر. شهر خوب آفتاب. تهران. سروش ۱۳۶۹
- ۲-.....آواز پوپک. تهران. کانون پرورش فکری ..... ۱۳۷۲
- ۳-.....آسمان ابری نیست. تهران. نهاد هنر و ادبیات ۱۳۷۴
- ۴-.....بوی کال یا س. تهران. کانون پرورش فکری ..... ۱۳۷۴
- ۵- امین پور. قیصر. به قول پرستو. تهران. زلال. ۱۳۷۵
- ۶-.....مثل چشمه مثل رود. تهران. سروش ۱۳۷۳
- ۷- رحماندوست. مصطفی. باغ مهربانیها. تهران. کانون پرورش فکری. ۱۳۸۹
- ۸- پوروهاب. محمود. صدای ساز باران. تهران. کانون پرورش فکری ..... ۱۳۷۸
- ۹- مزینانی. محمد کاظم. دویدم و دویدم. تهران. کانون پرورش فکری. ۱۳۸۴
- ۱۰- خدا دوست. احمد. دنیا چگونه شکل سیب است. تهران. کانون پرورش فکری. ۱۳۷۵
- ۱۱- جمعی از شاعران کودک و نوجوان. خدایا تو خوبی. تهران. کانون پرورش فکری ... ۱۳۸۶
- ۱۲- ابراهیمی. جعفر. آواز پوپک. تهران. کانون پرورش فکری ۱۳۹۱
- ۱۳- رجب زاده. شهرام. دوچرخه ها گراند. تهران. کتاب زمین. ۱۳۸۰
- ۱۵- سپاهی یونسی. عباس علی. صبح و سیب. تهران. قو. ۱۳۷۹
- ۱۶- شعبان نژاد. افسانه. شیشه ی آواز. تهران. کانون پرورش فکری ..... ۱۳۷۴
- ۱۷-.....پونه ها و پروانه ها. تهران. سروش. ۱۳۶۹
- ۱۹- شعبانی. اسد الله. آواز توکا. تهران. فردا. ۱۳۷۶
- ۲۰-.....پروانه و گل سر. تهران. کانون پرورش فکری..... ۱۳۷۲
- ۲۱- شفیعی. ضیال‌الدین برگونه های ماه. تهران. سروش ۱۳۷۸
- ۲۲- صالحی. آتوسا. ترانه ای برای باران. تهران. سروش ۱۳۷۷
- ۲۳- علا. افشین. یک سبد بوی بهار. تهران. افق. ۱۳۷۴

- ۲۴-.....خاطرات مه گرفته . تهران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۹
- ۲۵- قاسم نیا . شکوه . حسنی کلاس چنده ؟ . تهران . پیدایش . ۱۳۷۹
- ۲۶- کشاورز. ناصر. آه پونه . تهران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۶
- ۲۷-..... بوی گردوهای کال . تهران کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۶
- ۲۸- هاشمی. سید سعید . تکه ای از آسمان. تهران کنون پرورش فکری .... ۱۳۹۲
- ۲۹- مزینانی. محمد کاظم . کلاغهای کاغذی . تهران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۴
- ۳۰-.....تلخ و شیرین . تهران . کتاب ها ی پروانه ( به نشر ) ۱۳۸۵
- ۳۱- تولایی . حسین. دمپایی خورشید. تهران . کنون پرورش فکری ۱۳۹۱
- ۳۲-..... قطار ساندویچ . تهران . کنون پرورش فکری.۱۳۹۱
- ۳۳- احمدی. حسین . صدای سبز.تهران . کنون پرورش فکری.۱۳۹۴
- ۳۴- مزینانی. محمد کاظم . تنها انار خندید . تهران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۴
- ۳۵- مهرپرور . ملیحه . خنده ی آینه .تهران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۷۶
- ۳۶- ملکی . بیوک . از هوای صبح . تهران . سروش ۱۳۷۶
- ۳۷-.....بر بال رنگین کمان .تهران . سروش ۱۳۷۰
- ۳۸-.....باز با باران . هران . کنون پرورش فکری .... ۱۳۸۵
- ۳۹- شعبانی اسدالله . رنگین کمان کودکان. تهران . کنون پرورش فکری. ۱۳۸۱
- ۴۰- خدادوست . احمد. خدارنگ گلابی. تهران . کنون پرورش فکری.....۱۳۹۱
- ۴۱- هنرجو. حمید . آیه ها ی آفتاب ( عزای نخل ها/ ملامحمدی. مجید ) قم . دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه . ۱۳۷۵
- ۴۲- شعبانی اسدالله . چراغ شکوفه ها . تهران . کنون پرورش فکری. ۱۳۸۷
- ۴۳- طباطبایی. فضل الله . لحظه های سبز. تهران. کنون پرورش فکری . ۱۳۹۲
- ۴۴- شعبان نژاد . افسانه . برگزیده شعر . تهران . کنون پرورش فکری ۱۳۹۱
- ۴۵- کیانوش . محمود . باغ ستاره . تهران . کنون پرورش فکری . ۱۳۹۴